ادامه از صفحه اول

به‌بهانه حضور «یادگار امام» در تلویزیون

نسلی که نمونه‌ای از آن در سال ۹۲ برای دفاع و حمایت از شخصیتی انقلابی به میدان آمد. شخصیتی که برای اولین‌بار پیشوند زیبای «امام» را زینت‌بخش واژه «خمینی» در یک سخنرانی عمومی کرد و برای معرفی این «روحانی» به مردم از هیچ کوششی دریغ نکرد.قبول کنید که فقط و فقط نسل شما هزینه دفاع از انقلاب را در مبارزه با رژیم ستمشاهی و مستبد پهلوی و همچنین سال‌های جنگ تحمیلی نپرداخت که در حقیقت ایثار و جان‌فشانی‌هایی بسیار بزرگ کرد؛ اما غرض آن است که بگوییم امروز نسل سوم و چهارم انقلاب نیز در کنار شما هزینه‌های زیادی برای دفاع حقیقی از اندیشه امام، جمهوری اسلامی و دفاع از رهنمودهای رهبری می‌پردازد.نسلی که باوجود انواع اتهامات، برای دفاع از امام، راسخ است و معتقد است نسل ما نباید ناامید شود و در نتیجه همین ثابت‌قدمی و استقامت، دیدیم که «امید» باز هم کارساز شد و در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، حماسه آفرید، همان‌طور که در سال ۹۲ حماسه آفرید و بر رخوت و ناامیدی پیروز شد.نسلی که کارش حماسه‌آفرینی است تا از این انقلاب و نظام برخاسته از ایثار هزاران جوان عاشق خمینی، دفاع کنَد، نه برای نام و نان.نسلی که نه فقط چون برخی در زبان، بلکه در عمل دفاع از رهبری و راهبری مقام معظم رهبری را برای حفظ ارزش‌های انقلاب به جانش پذیرفته و به‌هیچ‌وجه به‌دنبال تنش و تقابل در درون نظام نبوده و نیست؛ بلکه انتخابش در سال ۹۲ به نام شخصیتی انقلابی از همراهان امام بود که هم دغدغه‌های این نسل را داشت و به پیگیری و پاسخ‌گویی‌اش به این مطالبات تعهد داده بود و هم رابطه‌ای صمیمی با رهبر انقلاب داشت.اما این نسل متهم به دوری از فرامین رهبری شده؛ درحالی‌که بیشترین و بهترین عامل به راهبردهای ایشان بوده، چه آنجا که توصیه ایشان به حماسه‌آفرینی سیاسی و اقتصادی را باوجود دست‌اندازهای بسیار به خوبی جامه عمل پوشانده، چه آنجا که با هیچ دولتی و مجلسی عقد اخوت نمی‌بندد. تا آنجا که متعهد به مردم و مطالبات آنان باشند، از آنها حمایت می‌کنند و در غیر این صورت صادقانه به نقد آنها می‌نشینند و چه آنجایی که برای انقلابی‌ماندن، از دیپلماسی عزت‌مندانه فرزندان انقلابی و جهادگران عرصه دیپلماسی حمایت کرده و در مجموع زمین بازی را خالی نکرده است.نسلی که همین «خمینی جوان» چهره محبوب و زبان گویای این نسل است.نسلی که همچنان به روحانیت روشن‌اندیش و آگاه به مسائل روز علاقه‌مند است و امام را فقیهی پیشرو در قلمرو سیاست و جامعه می‌داند.نسلی که اگرچه چهره‌ای متفاوت از جوانان رزمنده در جبهه‌های جنگ دارد؛ اما به باکری و همت و جهان‌آرا و کاظمی و حاج داوود کریمی‌ها می‌بالد و در مقابلشان سر تعظیم فرود می‌آورد.جناب آقای دکتر علی‌عسگری!از شما سؤالی دارم که می‌خواهم صادقانه پاسخ بگویید! عیبی ندارد در درون خود به آن جواب گویید؛ نه به ما!حضور زنده «یادگار امام» برای انقلاب و نظام تهدید بود یا فرصت و مؤید و پیونددهنده ارتباط مردم با رسانه ملی!؟ اگر پاسختان «فرصت» است، پس چرا این‌قدر دیر! از شما می‌خواهیم که برای تداوم وفاداری نسل ما به انقلاب و به تعبیر رهبری «انقلابی‌ماندن‌مان» این شیوه را ادامه دهید.مگر نه این است که هدف و راهبرد شما و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، تداوم پیوند نسل‌های بعد از انقلاب با امام و رهبری و روحانیت شیعه است!؟پس چه کسانی بهتر از «سیدحسن عزیز» و دیگر یاران و همراهان امام و انقلاب و رهبری که در بین این نسل محبوبیت دارند، می‌توانند به این راهبرد کمک کنند!آقای علی‌عسگری، شک نکنید که تداوم این شیوه برای ارائه تریون به یاران و همراهان امام و انقلاب و چهره‌های متفاوت و نسل سوم و چهارمی که در ادبیات امروز سیاسی از اهالی تحول‌خواهی و اصلاح‌طلبی‌اند، به صلاح ملک و دولت و مملکت است و موجب بیمه‌ترشدن نظام و انقلاب خواهد بود.اتخاذ این شیوه جدید، قطعا راهبردی برای انقلابی‌ماندن جوانان نسل سوم و چهارم انقلاب خواهد بود؛ همان‌طور که دغدغه رهبری نظام است.شک نکنید با تریبون‌دادن به سایر جریان‌های فکری و سیاسی که صدالبته دغدغه امام و انقلاب و رهبری را دارند، خللی در کسب قدرت برای جریان اصولگرا ایجاد نمی‌کند که شاهدش همین انتخابات‌های اخیر است که پیروز انتخابات جریاناتی بودند که نفوذ و ارتباط و سهمی در رسانه ملی نداشته و ندارند.اصلا جریان اصلاحات و خط امام چنین سهمی نمی‌خواهد؛ بلکه همین که در میزگردها و گفت‌وگوها و سخنرانی‌ها از دیگر چهره‌های پرسابقه در راه انقلاب استفاده شود، برای ما بس است.همین که در بیان انقلاب و سیره امام، یک‌سویه نقش یاران و همراهان امام و انقلاب در قم، نجف و پاریس فراموش نشود و سخنی از ردیف اول‌های سیلی‌خورده انقلاب بیان شود، برای ما بس است.برای ما بس است که صداوسیما بیانگر حقیقت تاریخ صد سال اخیر باشد و راه را بر رسانه‌های خارجی‌نشین که اغلب خودبزرگ‌پندار هستند، ببندد.همین که مواجهه با پدر شهید جهان‌آرا یا امثال او و وابستگان شهدای عزیزمان که به رحمت الهی می‌پیوندند، مانند همسر معزز شهید بابایی که بحق به او پرداخته شد، پرداخته شود، برای ما بس است.در پایان در یک جمله خلاصه می‌گویم که نسل ما می‌خواهد صداوسیما به معنای واقعی کلمه «دانشگاه» باشد، همان‌طور که امام عزیزمان فرمود، والسلام.

politics@sharghdaily.ir

در جلسه هیأت دولت به ریاست روحانی انجام شد

موافقت با افزایش ۱۴درصدی کلیه مستمری‌های بازنشستگی و ازکارافتادگی

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری: هیأت وزیران در جلسه عصر دیروز به ریاست «حسن روحانی»، رئیس‌جمهوری با پیشنهاد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبنی بر افزایش ۱۴درصدی کلیه مستمری‌های بازنشستگی، ازکارافتادگی و مجموع مستمری بازماندگان مشمولان سازمان تأمین اجتماعی از ابتدای سال ۱۳۹۵ در کلیه سطوح پرداختی موافقت کرد.

در ادامه جلسه، دولت در راستای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و رونق کسب‌وکار و رشد اقتصادی، رفع موانع تولید و حمایت از کارگاه‌های تولیدی صنعتی و معدنی مشمول مقررات تأمین اجتماعی، آیین‌نامه اجرائی یکی از مواد قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات را به تصویب رساند.

براساس آیین‌نامه یادشده، واحدهای فعال تولیدی، صنعتی و معدنی که به دلیل حوادث غیرمترقبه و بروز عوامل خارج از اراده از قبیل سیل، برف، زلزله و آثار مالی تحریم‌های اقتصادی ظالمانه و نوسانات ارزی نتوانستند به‌موقع حق بیمه نیروهای شاغل کارگاه‌های خویش را پرداخت کنند، در صورت ارائه اسناد و دلایل مربوط به آثار عوامل مذکور و احراز سوابق خوش‌حسابی آنها از سوی سازمان تأمین اجتماعی، می‌توانند ضمن برخورداری از بخشودگی تمام یا قسمتی از جرائم دیرکرد، به تقسیط بدهی‌های حق بیمه، حسب توافق با سازمان تأمین اجتماعی اقدام کنند.

همچنین کارفرمایان «کارگاه‌های مشمول» درصورتی‌که اسناد و مدارک خسارات واردشده به آنها مربوط به قبل از تصویب این آیین‌نامه باشد، چنانچه حداکثر در سه ماه از تاریخ اجرای این آیین‌نامه درباره پرداخت اصل بدهی قطعی‌شده با سازمان تأمین اجتماعی توافق کنند، از بخشودگی جرائم موضوع این آیین‌نامه برخوردار خواهند شد.

در ادامه جلسه، دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی برای انجام مذاکره، پیش‌امضا (پاراف) و امضای موقت پروتکل درباره اصلاح موافقت‌نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و شورای فدرال سوئیس به منظور اجتناب از مالیات مضاعف در زمینه مالیات‌های بردرآمد و سرمایه و پروتکل آن اجازه داد.

لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک درباره به‌کارگیری کودکان در منازعه مسلحانه و نیز لایحه تصویب اصلاحات مقررات بین‌المللی جلوگیری ایمنی جان اشخاص در دریا، از دیگر مصوبات جلسه عصر یکشنبه هیأت دولت بود.

صالح نیکبخت هم‌زمان با تعیین شعبه رسیدگی به پرونده در دیوان‌عالی کشور مطرح کرد

امکان اعلام جرم علیه حامیان زنجانی

شرق، مسعود کاظمی: شعبه رسیدگی‌کننده به پرونده بابک زنجانی در دیوان‌عالی کشور مشخص شد. روز گذشته وکیل بابک زنجانی این خبر را اعلام کرد.

رسول کوهپایه‌زاده در گفت‌وگو با «ایلنا»، با اشاره به آخرین وضعیت پرونده بابک زنجانی گفت: «بعد از اینکه ما بارها برای اطلاع از سرنوشت پرونده به دیوان‌عالی کشور مراجعه کردیم، به ما اعلام شد که برای رسیدگی به پرونده موکلم شعبه مدنظر تعیین شده و در حال رسیدگی است. بعد از درخواست ما برای اعلام نام شعبه گفته شد که برای اینکه قضات بتوانند در آرامش کار قضائی خود را انجام دهند، نام شعبه فعلا محرمانه است و اعلام نمی‌شود». وکیل بابک زنجانی همچنین در بخش دیگری از اظهارات خود تأکید کرد: «قضات دیوان‌عالی کشور به محض اینکه پرونده را باز کنند، اولین مطلبی که با آن مواجه خواهند بود و طبق قانون مکلف هستند به آن توجه کنند، ماده ۲۴۲ آیین دادرسی کیفری است که یک ماده قانونی امری است و بسیار صراحت دارد و تفسیرکردنی هم نیست و همه مراجع قضائی اعم از مادون و مافوق و تالی و عالی موظف به رعایت آن هستند. این پرونده متهمی دارد که در زندان است و از مدت بازداشت موقت انفرادی او ۲۹ ماه سپری شده است؛ درصورتی‌که قانون صراحت دارد و می‌گوید متهمی را که مجازات اعدام دارد، نمی‌توان بیش از دو سال یعنی ۲۴ ماه در بازداشت موقت نگه داشت». زنجانی از نهم دی‌ماه سال ۹۳ تاکنون در زندان به سر می‌برد. ۲۹ اردیبهشت اصغر جهانگیر، رئیس سازمان زندان‌ها، در حاشیه مراسم تودیع و معارفه رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح در جمع خبرنگاران درباره بابک زنجانی گفت: «او همچنان در انفرادی است؛ ولی با برخی مقامات قضائی ملاقات‌هایی درباره بازگرداندن پول‌هایش داشته است». اکنون، هم زنجانی و هم مسئولان وزارت نفت و در نگاهی دیگر مردم چشم به دیوان‌عالی کشور دارند تا ببینند سرنوشت این پرونده جنجالی و چند هزار میلیارد از پول بیت‌المال چه می‌شود؟

زنجانی و عظیم‌ترین بدهی مالی تاریخ ایران

«اگر کسی پیدا شد که بتواند فردی را حتی در دنیا معرفی کند که یک دلار از بابک زنجانی بیشتر پول برده، از مردم ایران عذرخواهی می‌کنم». این سخنان اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور بود. پیش از او نیز وزیر نفت گفته بود: «او بیش از دومیلیاردو ۷۰۰میلیون یورو از پول نفت را پس نداده و به نظر من از اول هم قصد نداشته که پس بدهد. نیازی نیست بابک زنجانی پول را بدهد، فقط بگوید این پول‌ها در کدام حساب است؛ حسابی که بانک خصوصی یا دولتی ما موجودی آن را تأیید کند». ماجرا از این قرار است که در شرایطی که کشور در شدیدترین تحریم‌های اقتصادی قرار گرفته بود، زنجانی با برخی روابط سیاسی موفق می‌شود به‌جای شرکت نفت، در فروش نفت ایران دخالت کرده و مبالغ هنگفتی را جابه‌جا کند؛ اما دراین‌میان حدود دومیلیاردو ۷۰۰میلیون یورو از این پول در حساب او ماند و هیچ‌گاه به خزانه واریز نشد. بیژن زنگنه ۳۰ بهمن ۹۲ در صفحه فیس‌بوک خود نوشته بود: «آن‌طور که حساب کرده‌ام، فعلا هر ایرانی ۱۱۰ هزار تومان از آقای زنجانی طلبکار است». گفته می‌شود حمایت‌های چند وزیر احمدی‌نژاد و مقامات بانک مرکزی همراه بابک زنجانی بوده است؛ هرچند اختلاف‌نظرهایی درباره میزان بدهی مرد مدعی ثروت ۲۲میلیاردیورویی وجود دارد؛ اما آخرین نقل‌قول‌ها نشان می‌دهد بدهی او به عقیده وکیلش بیشتر از دومیلیاردو ۲۰۰ میلیون دلار و بنا بر اعلام شرکت ملی نفت اندکی بیشتر از سه‌میلیاردو ۴۰۰ میلیون دلار است. حتی اگر روایت وکیل زنجانی را بپذیریم، او بزرگ‌ترین بدهکار تاریخ ایران است. در دومین جلسه دادگاه فساد نفتی، نماینده دادستان در قرائت کیفرخواست متهم فساد نفتی گفت: «پس از آنکه زنجانی به «س.ج.س» متصل می‌شود، این فرد موضوع را با وزیر نفت وقت در میان می‌گذارد و او بابک را تأیید می‌کند. مصوبه هفتم تیر ۹۱ با امضای حسینی، وزیر اقتصاد، غضنفری، وزیر صنعت، معدن و تجارت، رستم قاسمی، وزیر نفت و محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی در دولت دهم و واریز ۱۴.۵درصد منابع ارزی حاصل از فروش نفت به حساب بانک «FIIB» سکوی پرتاب زنجانی شد». همچنین رسول کوهپایه‌زاده، وکیل زنجانی، در جلسه پانزدهم دادگاه گفته بود: «آنچه به عنوان استفاده از رانت و دست‌های پشت پرده از آن یاد می‌شود، مربوط به مصوبه‌ای با امضای سه وزیر و رئیس وقت بانک مرکزی است. موکل من که در تنظیم این مصوبه نقشی نداشته است».

شریک بابک در بازداشت آمریکا

همکار بابک زنجانی هم این روزها مانند او در زندان به سر می‌برد. رضا ضراب، دلال طلای ایرانی که ساکن ترکیه و همسر ابرو گوندش، خواننده معروف ترکیه‌ای است و پیش‌ازاین به اتهام دست‌داشتن در رشوه‌دادن به برخی وزرای کابینه ترکیه در سال ۲۰۱۳ محکوم شده است، ۱۹ مارس و پس از سفر به آمریکا در میامی بازداشت شد. ضراب پس از چند روز از میامی به نیویورک منتقل می‌شود تا در دادگاه به اتهاماتی پاسخ دهد که به دلیل دورزدن تحریم‌های آمریکا علیه ایران متوجه او شده است. ضراب تمام اتهامات علیه خود را اشتباه دانسته و ادعا کرد کارهایش قانونی بوده است. کوهپایه‌زاده در گفت‌وگو با «ایلنا» درباره رضا ضراب هم گفته: «حکم ضراب که در آمریکا بازداشت شده است، می‌تواند مؤید صحبت‌های زنجانی باشد. به‌این‌دلیل که ضراب با زنجانی در دورزدن تحریم‌ها در دوره‌ای همکاری می‌کرد. این یک واقعیت انکارناپذیر است که مستندات دادگاه هم همین را نشان می‌دهد». او با اشاره به تأیید همکاری بابک زنجانی در دورزدن تحریم‌ها در جلسه‌ای از دادگاه گفت: «رضا ضراب نیز حسب اطلاع، بنا بر کیفرخواستی که دادگاه آمریکا ارائه داده است، به اتهام کمک به ایران در دورزدن تحریم‌ها بازداشت شده و اگر این اتهام در سیستم قضائی آمریکا اثبات شود، ۲۰ تا ۳۰ سال حبس در انتظار ایشان است». روز گذشته هم خبری منتشر شد که ضراب به دنبال رسیدن به حکم حبس خانگی است. وکیل رضا ضراب به دادگاهی که به‌تازگی بررسی آزادی موکلش را آغاز کرده، پیشنهاد داده به‌جای زندان، او را در حبس خانگی در آپارتمانی مجلل در منهتن تحت‌الحفظ نگهداری کنند. به گزارش «دویچه‌وله»، دادگاهی در نیویورک رسیدگی به پرونده آزادی رضا ضراب با وثیقه ۵۰میلیون‌دلاری را آغاز کرده است. نخستین جلسه دادگاه ضراب در اردیبهشت در نیویورک برگزار شد ولی وی اتهامات مربوط به برنامه‌ریزی توطئه برای انجام صدها میلیون دلار مبادلات مالی برای کمک به ایران را رد کرد. دادستان‌های آمریکایی اعلام کرده‌اند شرایط اعلام‌شده از سوی وکلای ضراب برای وثیقه، تلاشی از سوی او برای استفاده از ثروت و دارایی هنگفتش است تا از حضور در دادگاه خودداری کند، اقدامی که غیر از عده‌ای موکلان ثروتمند، از عهده کسی برنمی‌آید. پیش از این امیرعباس سلطانی، عضو کمیته پیگیری پرونده زنجانی در مجلس، به «شرق» گفته بود: «یکی از مهره‌های مهم پرونده پیچیده زنجانی، رضا ضراب است. برای حل پرونده زنجانی، ضراب باید در دسترس باشد. تا جایی که مشخص است، بابک زنجانی و رضا ضراب هیچ‌گاه از هم جدا نبوده‌اند؛ بلکه همدست و شریک هم بوده‌اند». به نظر می‌رسد همچنان باید منتظر ماند و دید فرجام این پرونده به کدام سمت و سو می‌رود. درحال‌حاضر اولویت در این پرونده بازگرداندن اموال بیت‌المال است؛ چند هزار میلیارد تومان پولی که در اثر سوءمدیریت برخی از مقامات دولت دهم در اختیار زنجانی قرار گرفت اما از سرنوشت آن اطلاعی در دست نیست. به گفته وکیل زنجانی بخشی از این اموال در دست افرادی است که معتمد زنجانی در خارج از کشور بودند، معتمدانی از جنس ضراب که اکنون در آمریکا زندانی است. به همین دلیل نمی‌توان نسبت به بازگشت بقیه بدهی زنجانی چندان امیدوار بود. اکنون و پس از ۲۹ ماه بازداشت، ۲۶ جلسه دادگاه این میلیاردر نفتی برگزار شده و پرونده برای تجدید نظر به دیوان‌عالی کشور رفته است. بر همین اساس گفت‌وگویی با «صالح نیکبخت» حقوق‌دان و وکیل دادگستری داشته‌ام که در ادامه می‌خوانید:

نکته

بر اساس قانون مسئولیت مدنی، می‌توان علیه کسانی که زمینه وقوع چنین جرمی را فراهم کرده‌اند، اعلام جرم کرد، حتی اگر آنان مقصر هم نباشند. قانون مسئولیت مدنی می‌گوید افرادی که در آن زمان مسئولیت داشته‌اند، باید پاسخ‌گو باشند

پرونده زنجانی و دو متهم دیگر پرونده فساد نفتی که به اعدام محکوم شدند، برای تجدید نظر به دیوان‌عالی کشور رفت. وکیل متهم ردیف اول اعلام کرده در دیوان شعبه‌ای برای رسیدگی به این پرونده تعیین شده است. البته آقای کوهپایه‌زاده اعلام کرده شعبه رسیدگی‌کننده محرمانه است و نمی‌شود آن را به اطلاع عموم رساند. سؤال من این است که چرا این پرونده به جای شعبه تجدیدنظر به دیوان رفت و چرا شعبه محرمانه بوده و اعلام نمی‌شود؟

معمولا پرونده‌هایی که مجازات محکومان آن بیش از ۱۰ سال حبس است یا در آن احکامی مانند سلب حیات صادر می‌شود، در مرحله تجدیدنظر به دیوان‌عالی کشور ارجاع می‌شود. درباره اینکه شعبه رسیدگی‌کننده محرمانه اعلام شده، در قانون چیزی وجود ندارد اما ممکن است به دلیل اینکه پرونده در آرامش و دور از هیاهو رسیدگی شود، به وکلای متهمان اعلام شود که شعبه را به طور مشخص بیان نکنند. اما من اطمینان دارم دیوان‌عالی کشور با توجه به اهمیت و حجم پرونده، دقت کافی را خواهد داشت. تاکنون در اکثر پرونده‌ها دیوان نقش قانونی خود، که در قانون اساسی به آن تصریح شده، در را به‌درستی انجام داده است.

در این پرونده هر سه متهم اصلی به اعدام و بازگرداندن پول محکوم شده‌اند. چراکه تاکنون به گفته وکیل زنجانی تنها یک‌چهارم مبلغ بدهی پرداخت شده است. پرداخت هم به صورت نقدی نبوده بلکه با احتساب اموال داخلی و وکالت‌نامه‌هایی که متهم اخیرا در اختیار وزارت نفت قرار داده، محقق شده است. با توجه به اینکه امیدی هم به بازگشت باقی پول وجود ندارد، به نظر شما فرجام این پرونده چه خواهد شد؟ اگر پولی به بیت‌المال بازنگردد مسئولیت حقوقی آن بر عهده کیست؟

فکر می‌کنم در پرونده‌های مالی این‌چنین سنگین، ما نباید صرفا به عاملان و شرکا و معاونان جرم توجه کنیم. بلکه باید به کسانی که زمینه‌ساز وقوع چنین جرائمی هستند، توجه داشته باشیم. زیرا امثال زنجانی و مه‌آفرید خسروی و فاضل خداداد، بدون اینکه زمینه‌ای برای وقوع یا ارتکاب جرائم منتسب به آنها فراهم نباشد، نمی‌توانند چنین جرائمی را مرتکب شوند. بارها در نوشته‌های حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان و همچنین کسانی که در زمینه‌های اقتصاد سیاسی دارای دانش و بینش هستند، به این موضوع اشاره شده است. اقتصاد کشور هر اندازه ناسالم باشد و به هر میزان که اتفاقات غیرعادی مانند تحریم‌های ظالمانه‌ای که به کشور ما تحمیل شد هم در آن به وجود بیاید بازهم چنین مواردی مطمئنا به وجود نمی‌آمد مگر اینکه بررسی شود چه اشخاص حقیقی و حقوقی زمینه را برای امثال آقای زنجانی فراهم کردند تا مرتکب چنین عملی شوند.

شما فرجام این پرونده را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟ آیا دیوان حکم اعدام را تأیید می‌کند؟

من نمی‌توانم بگویم که آیا دیوان حکم را تأیید می‌کند یا نه. اما دیوان پرونده را بررسی خواهد کرد و در صورت اثبات انجام جرم و صحت اتهامات وارده، آنان حکم را تأیید می‌کنند. در غیر این‌صورت چنان‌که از نظر شکلی یا ماهوی ایرادی در پرونده و روند رسیدگی وجود داشته باشد، دیوان آن را برمی‌گرداند. یعنی اگر از نظر شکلی ایرادی در پرونده احساس کند، آن را به شعبه بدوی می‌فرستد و اگر دارای اشکال ماهوی باشد، ضمن نقض حکم، پرونده را به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌کند. اگر چنین نقایصی وجود نداشته باشد، عدم پرداخت بدهی یا عودت‌ندادن اموال که در این مورد ظاهرا محصولات نفتی است و بازنگرداندن مابازای نقدی آن موجب اجرانشدن حکم اعدام نمی‌شود.

در صورتی که پول بیت‌المال مسترد نشود و حکم اعدام متهم تأیید شود، تکلیف مبالغ بدهی چه می‌شود؟ در واقع مسئولیت حقوقی پول بیت‌المال با کیست؟

مسئولیت حقوقی در این‌گونه موارد هم به ورثه او منتقل می‌شود و هم از آن مهم‌تر بر اساس قانون مسئولیت مدنی، می‌توان علیه کسانی که زمینه وقوع چنین جرمی را فراهم کرده‌اند، اعلام جرم کرد، ولو اینکه آنان مقصر هم نباشند. در واقع قانون مسئولیت مدنی می‌گوید افرادی که در آن زمان مسئولیت حقوقی و مدنی داشته‌اند، باید پاسخ‌گو باشند. این موضوع بسیار مهمی است که برای اولین‌بار مطرح می‌شود.

وکیل آقای زنجانی در گفت‌وگویی که روز گذشته با خبرگزاری «ایلنا» داشته، مجددا به عدم تبدیل قرار موکلش اعتراض کرده است. رسول کوهپایه‌زاده معتقد است بر اساس ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار بازداشت موقت موکلش باید پنج ماه پیش تبدیل به قرار وثیقه می‌شد. نظر شما دراین‌باره چیست؟

ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری جدید یک نهاد قانونی بسیار خوب است و تبدیل قرار بر همه کسانی که پرونده نزد آنان است چه در دادسرا، چه دادگاه بدوی و چه دیوان‌عالی، ملزم به رعایت و اجرای آن هستند. صدور این قرار و تعیین وثیقه مناسب با میزان ضرر و زیان و جرم وارده بر عهده هر مرجع قضائی است. این قانون به هیچ عنوان قابل‌تفسیر نیست و بر تبدیل قرار صراحت دارد.

آیا در قانون تبصره‌ای برای ادامه قرار بازداشت وجود ندارد؟

خیر. در این مورد هیچ تبصره‌ای وجود ندارد. ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری که بسیار قانون مناسبی است، در حد کافی صراحت دارد که قابل‌تفسیر هم نیست. در مورد زنجانی باید بر اساس مبلغ بدهی و میزان جرم قرار مناسب صادر شود. برای مثال اگر متهم توان تودیع وثیقه را داشت، برای اینکه از کشور فرار نکند، می‌توان اقدامات تأمینی مناسب را در نظر گرفت اما از نظر قانون نمی‌توان هیچ متهمی را بدون صدور قرار مناسب در بازداشت نگه داشت.

روال کار دیوان‌عالی کشور از نظر مدت زمان رسیدگی به یک پرونده به چه صورت است؟ آیا مدت زمان مشخصی وجود دارد؟

روال بررسی قانونی پرونده‌ها در دیوان‌عالی کشور محدود به زمان معینی نمی‌شود. بر اساس اهمیت و سنگینی پرونده، دیوان زمان کافی را روی پرونده صرف می‌کند. مستشاران دیوان‌عالی پرونده‌ها را به‌دقت می‌خوانند و گزارشی از آن در جلسه مستشاران و رئیس شعبه قرائت می‌شود و آنان تصمیم می‌گیرند.

روزنه

لاریجانی:

دولت احمدی‌نژاد پدیده عجیب و غریبی بود

● علی لاریجانی رئیس مجلس در گفت‌وگو با مجله «مثلث» به سؤالات این نشریه اصولگرا درباره مسائل روز کشور و مجلس نهم پاسخ داده است. گزیده این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

● (نواب رئیس هیأت‌رئیسه جدید مجلس) برادران خوبی هستند، من اینها را از سابق می‌شناسم. افراد خوب و سنجیده‌ای هستند و سابقه پارلمانی قوی‌ای‌دارند. هم دو دوره با آقای پزشکیان در مجلس بودم و کاملا به سلوکش آشنا هستم و هم دکتر مطهری را بیشتر از دیگران می‌شناسم. او فردی سنجیده و لایق است. اینکه افراد عقاید مختلفی داشته باشند، اشکالی ندارد، معتقدم مجلس باید تبلور بیرون، از نظر صحنه سیاسی باشد و این خوب است که صداهای بیرون در داخل مجلس شنیده شود.

● (درباره ائتلاف اصولگرایان) من نمی‌خواهم نقدی به کار آن آقایان وارد کنم. ولی تحلیلی از شرایط داشتم که فکر می‌کردم این آرایش موفق نیست. به آنها هم حدود هشت ماه پیش، وقتی نمایندگان جامعه روحانیت مبارز اینجا تشریف آوردند، صریح گفتم. منتها این یک رأی بود. شاید سایر دوستان آرای دیگری داشتند چون آن راه را انتخاب کردند، من خیلی موافق این نبودم، به همین دلیل نمی‌خواستم صدمه‌ای هم از این قضیه بخورند، بنابراین به آقای موحدی‌کرمانی گفتم: «چون جایگاه روحانیت را در انقلاب اصیل می‌دانم، از شخص شما حمایت می‌کنم ولی کاری به آرایش ندارم».

● (درباره جلسات چهارنفره با ولایتی و مقتدایی و ناطق) ائتلاف نبود. ما می‌خواستیم جریان دیگری را به وجود آوریم. معتقد بودم آن کار می‌توانست خیلی علاج کند چون متناسب با شرایط فعلی کشور بود. ما می‌توانستیم یک مشی عقلایی را برای اداره کشور پیگیری کنیم اما به دلایل مختلف بعد از مدتی نتوانستیم ادامه دهیم.

● (مقایسه دولت روحانی و دولت احمدی‌نژاد) دولت قبلی واقعا یک آشفتگی در تصمیم‌گیری داشت. فکر می‌کنم مشی خیلی دقیقی را مخصوصا در حوزه اقتصادی دنبال نکرد. قانون‌گریزی زیادی داشت، به‌طوری که ما در هیأت تطبیق به رقم غیرقابل‌تصوری در رد مصوبات دولت رسیدیم و مجبور بودیم آن مصوبات را رد کنیم. بعد که تبعیت نمی‌کردند مجبور شدیم قانون دیگری تصویب کنیم. یعنی ما با پدیده عجیب و غریبی مواجه بودیم. دولت گذشته آشفتگی سیاسی را دامن می‌زد. اگر رئیس یک خانواده خودش تحریک‌کننده باشد، با اینکه در خانواده روابط عاطفی وجود دارد، خانواده به هم می‌ریزد. در حکومت روابط عاطفی وجود ندارد، اگر رئیس دولت تحریک‌آمیز کار کند، کشور به دسته‌بندی‌ها و اختلافات زیادی می‌رسد و حتما آشفتگی سیاسی ایجاد می‌شود. در دولت فعلی ما اینها را خیلی نداریم یا خیلی کم داریم. از نظر قانون‌گرایی دولت آقای روحانی خیلی مقید است. شهادت می‌دهم کار هیأت تطبیق ما کساد است. مصوبات هیأت دولت که می‌آید با قانون منطبق است. شاید موارد جزئی که اعلام می‌کنم خلاف قانون است، یکی، دو مورد در ماه باشد حال آنکه در دولت قبل موقعی می‌شد که ۱۶، ۱۷ مورد را رد می‌کردیم. بنابراین به نظرم دو جنس دولت است و خیلی با هم متفاوت‌اند. در مجموع خیلی باید به مغزم فشار بیاورم که نقطه مشترک پیدا کنم.

● (درباره احتمال یک‌دوره‌ای‌شدن ریاست‌جمهوری روحانی) خیلی این احتمال را قوی نمی‌بینم. اینکه سؤال شد برخی احتمالش را زیاد می‌دانند که آقای دکتر روحانی رئیس‌جمهور یک‌دوره‌ای باشد، می‌گویم خیر، من احتمالش را زیاد نمی‌دانم ولی شرایط آینده خیلی می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

● (نامزدی احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری) فکر نمی‌کنم در ایران خیلی جاذبه‌ای داشته باشد آنها که دو دوره رئیس‌جمهور بودند دوباره به صحنه بیایند. مخصوصا آنکه خیلی تجربیات موفقی هم نداشته باشند.

● (اختلافات داخل مجلس نهم درباره برجام) اینکه کار پارلمان باید با تصمیم شورای‌عالی امنیت ملی متوازن باشد، نقطه اختلافی همین‌جا بود، چون برخی دوستان می‌گفتند ما کاری به دیگران نداریم، هرچه فکر می‌کنیم انجام می‌دهیم. این یک بخش اختلافی بود. یک بخش دیگر نیز آن بود که برخی فکر می‌کردند ما باید توافق را به هم بزنیم و برجام را رد کنیم. من این را قبول نداشتم و معتقد بودم این کار حتما به جمهوری اسلامی ایران هم از نظر منافع ملی و هم از نظر حیثیتی صدمه می‌زند. چون مردم دنیا بعد می‌گفتند ایران چطور کشوری است، سه سال مذاکره می‌کند بعد زیر میز می‌زند. این حرف توجیه نداشت. آنجا که در پارلمان اختلاف داشتیم، روی این دو وجه بود؛ یکی هماهنگی با سایر بخش‌ها، یکی اینکه ما مخالف بودیم با برهم‌زدن نتیجه مذاکره. بنابراین هماهنگی‌هایی در کشور صورت گرفت.